

اطلس زندان های ایران



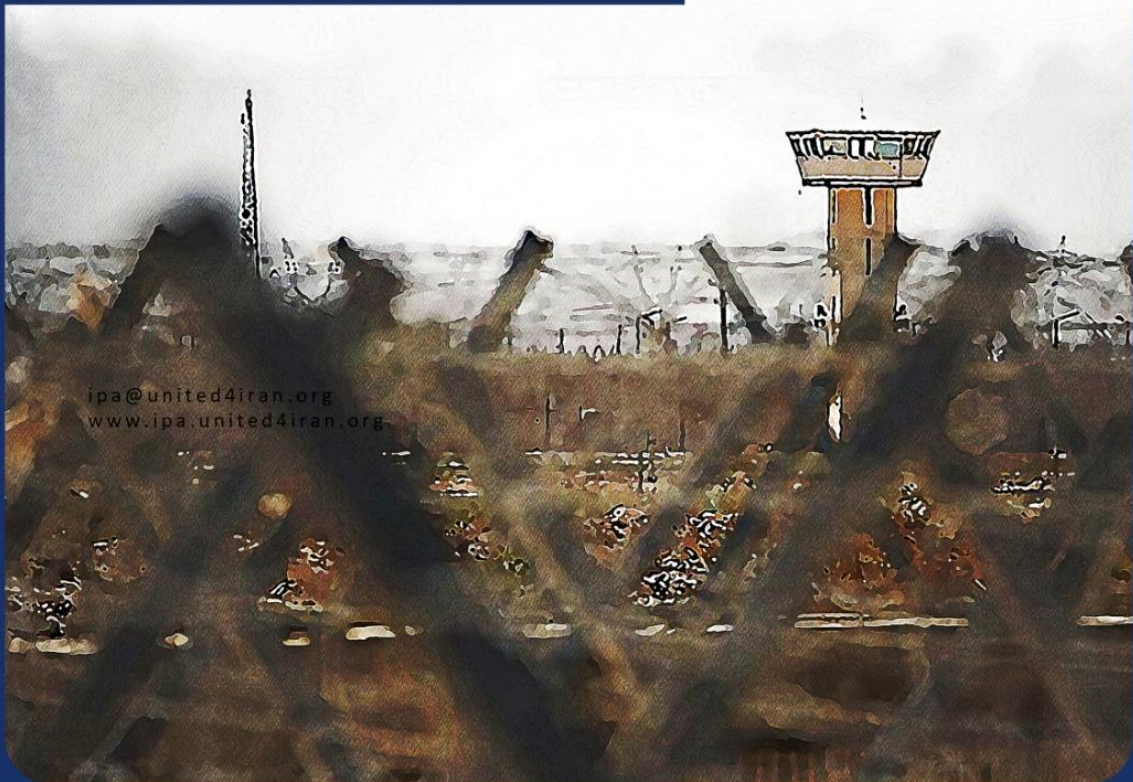
IRAN PRISON ATLAS

ipa@united4iran.org
www.ipa.united4iran.org

گزارش اطلس زندان های ایران از زندان شیپان

زندگی پر رنج

زندانیان شیپان



ipa@united4iran.org
www.ipa.united4iran.org

پیشینه

زندان شیبان بزرگ‌ترین زندان استان خوزستان است. این زندان پیش‌تر به «مجتمع حرفه‌آموزی و کاردرمانی استان خوزستان» معروف بود. زندان شیبان در ۲۵ کیلومتری جاده ملاثانی واقع شده است. ظرفیت این زندان ۳۱۵۰ نفر است. چهار زندانی سابق این زندان به پژوهشگر اطلس زندانهای ایران گفته‌اند: «در بیشتر اوقات تعداد زندانیان بیشتر از ظرفیت این زندان است و گاه تا ۴۵۰۰ نفر هم افزایش پیدا می‌کند.»

ساختمان زندان شیبان ابتدا خوابگاه مهندسان و کارکنان یک شرکت روسی فعال در نیروگاه برق شیبان به نام تکنوپروم اکسپورت بوده است.

اواخر دهه ۸۰ این مکان برای نگهداری زندانیان معتاد به مواد مخدر اختصاص یافت. نام مجتمع حرفه‌ای و کاردرمانی هم به همین دلیل بر آن گذاشته شد. اوایل دهه ۹۰ تعدادی از زندانیان سیاسی برای مدت کوتاهی به این زندان فرستاده شدند. یکی از این زندانیان به پژوهشگر اطلس زندانهای ایران گفته است: «شیبان در آغاز ساختاری شبیه زندان نداشت و کارکنان آن نیز با زندانیان مانند معتادین به مواد مخدر برخورد می‌کردند. آن‌ها به دنبال وادار کردن زندانیان به فعالیت‌های مختلفی بودند که در طول روز به اندازه کافی خسته شوند و شب به راحتی بخوابند. هدف آن بود که این زندانیان از رفتارهای پرخطر و شب‌زنده‌داری دوری کنند.» این زندانی سابق در توضیح این قوانین افزود: «به عنوان نمونه سال ۹۰ یک قانون بیداری‌اش در این زندان وجود داشت. طبق این قانون زندانیان ساعت شش و نیم صبح از خواب بیدار می‌شدند. آن‌ها تا ساعت هفت در حیاط ورزش می‌کردند. زندانیان سپس به داخل اتاق‌ها برمی‌گشتند و تا ساعت هشت فرصت صرف صبحانه داشتند و ساعت هشت دوباره به حیاط برگردانده می‌شدند. این زندانیان تا ساعت ۱۱ باید در حیاط می‌ماندند. ما [زندان‌یان سیاسی] اعتراض کردیم که ما معتاد نیستیم و چرا با ما مثل معتادان برخورد می‌کنید؟ بعد از آن مسئولین زندان ما را از این قانون معاف کردند.»

اوایل دهه ۹۰ شمسی با توجه به وضعیت نابسامان زندان کارون، مسئولان سازمان زندان‌ها با خریدن زمین‌های اطراف زندان شیبان، سوله بزرگی در آن احداث کردند. سال ۱۳۹۴ بیشتر زندانیان زندان کارون به این زندان فرستاده شدند. تعدادی از آن‌ها نیز روانه زندان سپیدار شدند. از آن زمان این مکان به نام زندان مرکزی اهواز نامگذاری شد. گزارش پیش‌رو بر اساس اظهارات چهار زندانی سابق که در زمان‌های مختلف در این زندان محبوس بوده‌اند تهیه شده است.

مسئولان زندان

در حال حاضر احمد آزاده رئیس زندان شیبان اهواز است. معاون او آقای ورمزیار است، ریاست حفاظت زندان به آقای غلام‌نژاد سپرده شده و رئیس خدمات زندان نیز آقای خلیلی است. گفته می‌شود رئیس نیروهای امنیتی زندان شخصی به نام خسروی است. مدیر بندهای پنج و هشت به ترتیب آقایان رشیدی و ناصر صخیراوی هستند. به طور معمول در بند پنج زندانیان سیاسی و در بند هشت زندانیان اهل سنت محبوس هستند.



احمد آزاده، رئیس زندان، نفر اول از راست

آقایان لالی‌زار، حاتمی، حاجمی، عبیای، سواری، عبیداوی، فدعمی، قربانی، کیارسی، مکوندی، سگوندی، صادقی، مرادی و رئوفی از دیگر مسئولان زندان هستند.

ساختار زندان

در این زندان ۱۰ بند وجود دارد. هشت بند، قرنطینه، سلولهای انفرادی، بهداری، کارگاه، بخش اداری و فروشگاه مرکزی در قسمت قدیم این مجموعه قرار دارند. بند شش و هفت بعداً ساخته شده‌اند. فروشگاه مرکزی اجناس و اغذیه را در فروشگاه‌های بندهای مختلف پخش می‌کند. حدود سه سال قبل یک دیوار بین سایت اداری و بندهای زندان احداث و یک افسرنگهبان در آن مستقر شده است. بیرون از محوطه اصلی و در مجاورت حصار زندان یک زمین چمن ورزشی برای بازی فوتبال ساخته شده است. این زمین چمن برای استفاده پرسنل و سربازان زندان است و زندانیان به آن دسترسی ندارند. گفته می‌شود سازمان زندان‌ها زمین‌های بیشتری در اطراف این زندان خریداری کرده است و به دنبال انتقال زندان سپیدار به زندانی جدید در مجاورت زندان شیبان است.



نمای زندان شیبان

بندهای قدیمی این زندان به جز چهار و پنج، هر کدام هشت اتاق دارند. چهار اتاق در طبقه بالا و چهار اتاق در طبقه پایین قرار گرفته است. ابعاد این اتاق‌ها سه و نیم متر در هفت متر است. بین

هر دو اتاق یک نمازخانه قرار دارد. مساحت نمازخانه کوچک‌تر از اتاق‌ها است. در هر اتاق هشت تخت خواب سه طبقه قرار داده شده است. قرار دادن این تعداد تخت خواب، فضای بسیار کمی برای نشستن و کارهای جمعی مانند غذا خوردن باقی می‌گذارد.

ظرفیت رسمی بندهای قدیمی زندان بر اساس تعداد تخت‌ها ۱۹۲ نفر است. اما معمولاً تعداد زندانی بیشتر از تعداد تخت‌هاست. یک زندانی پیشین این زندان به پژوهشگر اطلس گفته است: «معمولاً تعداد زندانیان از تعداد تخت‌ها بیشتر است و هر اتاق چند نفر کف‌خواب دارد که بیشتر اوقات در نمازخانه می‌خوابند.»

بندهای بخش قدیم زندان هرکدام چهار حمام و شش توالت دارند. حمام و توالت‌ها در طبقه پایین قرار گرفته‌اند. تعداد توالت‌ها متناسب با ظرفیت رسمی بند است. بیشتر وقتها که تعداد زندانیان از ظرفیت رسمی بیشتر است، صف‌های طولانی برای استفاده از توالت تشکیل می‌شود. استفاده زیاد زندانیان از توالت‌ها سبب وضعیت نامناسب بهداشتی زندان می‌شود.

وضعیت حمام‌ها از این هم بدتر است. گاهی اوقات فشار آب زندان بسیار کم است. زمانی هم که فشار آب مناسب است پس از استفاده چند نفر اول از حمام، آب به سرعت سرد می‌شود. زندانیان ناچارند برای استحمام آب را روی اجاق گاز گرم کنند. در حیات همه بندهای زندان شبیاب یک آرایشگاه، یک فروشگاه برای تهیه مواد غذایی و دیگر نیازمندی‌های زندانیان و تعدادی شعله گاز برای تهیه چای یا غذا وجود دارد.

سلول‌های انفرادی

سلول‌های انفرادی در مجاورت بند یک قرار گرفته‌اند. این سلول‌ها اگرچه به نام انفرادی مشهور هستند اما بیشتر وقتها بیش از یک زندانی را در خود جای می‌دهند. برخی از زندانیان بر اساس نظر مدیران زندان برای تنبیه به این سلول‌ها فرستاده می‌شوند. رخدادهایی مانند درگیری زندانیان با یکدیگر و ارتکاب برخی از جرایم مانند مصرف یا نگهداری مواد مخدر ممکن است به حبس در سلول انفرادی منجر شود. از این بخش زندان، همچنین برای تنبیه افرادی که به مدیریت زندان اعتراض می‌کنند استفاده می‌شود. زندانیانی که به دلیل بی‌توجهی مسئولین به درخواست‌های آن‌ها مانند مرخصی، اعزام به بیمارستان، ارسال نامه، اعتراض نسبت به روند قضایی پرونده و مسائلی از این قبیل با مسئولان بحث و مشاجره می‌کنند، گاهی برای تنبیه به انفرادی فرستاده می‌شوند.

این بخش بدترین شرایط را در بین بندهای زندان دارد. هیچ گونه امکانات گرمایشی و سرمایشی در آن وجود ندارد. به همین دلیل هوای آن در زمستان بسیار سرد است و ممکن است به بیمار شدن زندانی منجر شود. بسیاری از زندانیانی که در زمستان به انفرادی فرستاده شده‌اند به بیماری‌های کلیوی مبتلا شده‌اند. در تابستان نیز هوای این سلول‌ها بسیار گرم و گرفته است و زندانیان را گرم‌زده می‌کند.

مشکل دیگر این بند وضعیت سرویس‌های بهداشتی است. در هر سلول این بند، یک توالت قرار دارد. وجود توالت در یک اتاق کوچک سبب انتشار بوی بسیار بد و غیر قابل تحملی می‌شود. علاوه بر این هیچ‌گونه دیوار یا حفاظی برای این توالت تعبیه نشده است و زندانیان در مقابل چشم یکدیگر ناچار به استفاده از توالت می‌شوند. یک منبع آگاه در این مورد به پژوهشگر اطلس گفت: «قرار گرفتن توالت در سلول‌های این بند علاوه بر انتشار بوی بسیار نامطبوع، سبب جریحه‌دار شدن شخصیت و احساسات زندانی نیز می‌شود. یکی از زندانیان سیاسی که سه روز در این سلول‌ها زندانی بود، از ابتدا تا انتها حاضر به خوردن غذا نشد؛ زیرا نگران بود که با مصرف غذا ناچار به استفاده از سرویس بهداشتی در مقابل چشم سایرین بشود.»

یک منبع آگاه به پژوهشگر اطلس زندان‌های ایران گفت هم اکنون بین ۵۰ تا ۶۰ زندانی در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌شوند.

بند یک

از این بند بیشتر برای نگهداری زندانیان بلاتکلیف استفاده می‌شود. زندانیان بلاتکلیف به افرادی گفته می‌شود که هنوز حکمی برای آن‌ها صادر نشده است. البته این تقسیم‌بندی‌ها به طور دقیق رعایت نمی‌شود و زندانیان دیگر هم در این بند محبوس هستند. حیاط این بند بسیار کوچک است.

بند دو و بند سه

دیوار بین این دو بند تخریب شده و این بندها به هم وصل شده‌اند. این بخش زندان محل نگهداری زندانیان متهم به سرقت و جرایم سبک مربوط به مواد مخدر است. البته همانطور که گفته شد این تقسیم‌بندی‌ها به طور کامل رعایت نمی‌شود. این دو بند هم هرکدام چهار حمام و شش توالت دارند. حیاط این دو بند به یکدیگر پیوسته است و فضای بزرگی برای ورزش و پیاده‌روی در اختیار زندانیان می‌گذارد.

بند چهار

در این بند حدود ۲۰۰ زندانی نگهداری می‌شوند. بیش‌تر زندانیان این بند مجاز به انجام کار در زندان هستند. آن‌ها در ساعات روز کار می‌کنند و شب زندانی هستند. محل کار این زندانیان در آشپزخانه و کارگاه‌های زندان است و برخی از آن‌ها نیز کارهای خدماتی زندان را برعهده دارند. طبقه بالای این بند در سال ۸۹ تغییر شکل یافته و نوسازی شده است. در این طبقه یک سالن در وسط قرار گرفته و ۱۰ اتاق کوچک در دو طرف سالن ساخته شده است. شش اتاق ۹ نفر و چهار اتاق شش نفرگنجایش دارند. دو اتاق هم مخصوص برگزاری نماز و تماشای برنامه‌های تلویزیونی است. طبقه پایین این بند تغییری نکرده و چهار اتاق در آن قرار دارد. شاغل بودن زندانیان این بند، تغییر شکل طبقه فوقانی آن و کم کردن ظرفیت اتاق‌ها سبب شده است که در این بند شرایط بهتری نسبت به سایر بندهای زندان ایجاد شود.

بند پنج

بند پنج محل نگهداری زندانیان سیاسی و امنیتی است. در طبقه بالای این بند، مانند بقیه بندها، چهار اتاق وجود دارد. در طبقه پایین این بند، دو اتاق و نمازخانه بین آن‌ها را تبدیل به یک ساختمان چندمنظوره کرده‌اند که زندانیان معمولاً از آن برای مطالعه استفاده می‌کنند. حمام و سرویس‌های بهداشتی این طبقه نیز تبدیل به کارگاهی برای آموزش نجاری و چرم‌دوزی شده و سرویس‌های بهداشتی و حمام‌های جدیدی در حیاط زندان ساخته شده است. پس از اعتراضات و درگیری‌های فروردین ۹۹ این کارگاه‌ها تعطیل شده‌اند.

زندانیان این بند با اعتراض و اصرار فراوان موفق شده‌اند که تعداد تخت‌های اتاق‌ها را از هشت به هفت کاهش دهند و فضای بیش‌تری برای نشستن و غذا خوردن و برخی فعالیت‌های جمعی در اختیار داشته باشند. بر این اساس ظرفیت رسمی بند پنج ۱۲۶ نفر است.

هم اکنون در مجموع حدود ۱۳۰ نفر در این بند زندانی هستند. ۵۸ نفر از این افراد را فعالان اتنیکی، زندانیان سیاسی و زندانیان امنیتی تشکیل می‌دهند. بین ۲۰ تا ۲۵ نفر از نوکیشان سنی نیز در این بند زندانی هستند. به هشت نفر هم اتهام‌های سیاسی مانند عضویت یا هواداری از سازمان مجاهدین خلق یا گروه‌های سیاسی دیگر نسبت داده شده است. پنج نفر نیز به اتهامات مرتبط با مهدویت در این بند زندانی هستند. بقیه زندانیان این بند اتهامات سیاسی در پرونده خود ندارند.

حیاط این بند حدوداً ۲۵ متر در هشت متر است که برای استفاده زندانیان بسیار کوچک است. امکان ورزش و دویدن در این بخش به دلیل ازدحام جمعیت وجود ندارد.

باجه های تلفن این بند، برخلاف سایر بندها در اتاق افسر نگهبان قرار دارند. افسر نگهبان می‌تواند صحبت های زندانیان را گوش دهد. به همین دلیل این زندانیان همیشه مجبورند که با صدای خیلی پایین با خانواده هایشان صحبت کنند.

بند شش و بند هفت

این دو بند در بخش جدید زندان در یک سوله بزرگ ساخته شده اند. هرکدام دو طبقه دارند و در هر طبقه ۱۵ اتاق قرار گرفته است. ابعاد این اتاقها حدوداً هفت متر در پنج و نیم متر است. در ۱۴ اتاق زندانیان زندگی می‌کنند و یک اتاق برای خدمات مشاوره و روان‌درمانی اختصاص یافته است. در هر اتاق ۱۰ تخت سه طبقه قرار گرفته است. بر این اساس ظرفیت رسمی هر بند ۸۴۰ نفر است. اما معمولاً هر اتاق تعدادی هم کف خواب دارد.

از این دو بند برای نگهداری زندانیان با اتهام‌های سنگین استفاده می‌شود. این زندانیان به حبس های طولانی مدت یا حبس ابد محکوم شده‌اند. زندانیان محکوم به اعدام در زندان سپیدار نگهداری می‌شوند. هر کدام از این دو بند یک مسجد در طبقه بالا دارند. در هر یک از این مساجد یک کتابخانه نیز وجود دارد. هر بند، یک فروشگاه کوچک دارد که امکان رفع نیاز این تعداد از زندانیان را ندارد. گاهی زندانیان ناچارند که برای خرید مایحتاج خود حدود چهار ساعت در صف منتظر باشند. این موضوع مشکلات زیادی را در این بندها ایجاد کرده و خیلی وقت‌ها منجر به درگیری و زد و خورد بین زندانیان می‌شود.

در حیاط هر یک از این دو بند حدود ۱۵ شعله اجاق گاز تعبیه شده است. زندانیان از این اجاق‌ها برای تهیه چای، آب جوش یا طبخ غذا استفاده می‌کنند. گاهی نیز به دلیل کیفیت بد غذا زندانیان ناچار به پختن دوباره این غذاها هستند. این شعله‌ها نزدیک فروشگاه قرار گرفته‌اند. هیچ حفاظی در مقابل باران و یا گرما ندارند. علاوه بر آن قرار گرفتن این شعله‌ها در کنار زمین بازی سبب می‌شود که توپ به دیگ‌های آشپزی و افرادی که مشغول آشپزی هستند برخورد کند. در این بندها باجه‌های تلفن به تعداد اتاق‌ها است. این تلفن‌ها در حیاط و فضای باز قرار گرفته‌اند و برای آن‌ها هیچ کابینی نیز تعبیه نشده است. به این دلیل هیاهوی زندانیان در حیاط و زمین بازی گفتگوی زندانیان با خانواده‌هایشان را دشوار می‌کند.



تصویر یکی از اتاق‌های سوله

بند هشت

در این بند ترکیبی از زندانیان عادی و زندانیان سیاسی، عقیدتی و امنیتی محبوس هستند. علاوه بر زندانیان غیر سیاسی در حال حاضر حدود ۱۰۳ زندانی سیاسی و عقیدتی در این بند نگهداری می‌شوند. این زندانیان شامل ۱۵ فعال انتی‌کی، زندانی سیاسی یا زندانی امنیتی و ۸۰ نفر از نوکیشان اهل سنت است. سخت‌گیری در مورد نوکیشان اهل سنت بیشتر از سایر زندانیان است. برگزاری نماز جماعت اهل سنت و اذان گفتن به شیوه آنها ممنوع است. یکی از زندانیان سابق این زندان به

پژوهشگر اطلس زندان‌های ایران در این مورد گفت: «زندانیان عقیدتی اهل سنت شرایط سخت‌تری را در زندان نسبت به زندانیان سیاسی تجربه می‌کنند. زیرا برخلاف زندانیان سیاسی که معمولاً در زندان امکان پیگیری فعالیت‌های خود را ندارند، زندانیان عقیدتی در زندان هم به دلیل انجام مناسب مذهبی خود و بحث و گفتگو درباره عقایدشان در معرض برخوردهای قضایی و امنیتی قرار می‌گیرند.» به گفته این فرد آگاه: «یکی از این زندانیان به نام سید انور البوشوکه به دلیل فعالیت‌های مذهبی حدود دو سال به زندان سپیدار تبعید شد. او حدود شش ماه از این دو سال را در سلول‌های انفرادی گذراند. او پس از دو سال به زندان شیبان بازگردانده شد.»

به گفته این فرد آگاه، مسئولان زندان، نماز خواندن و اذان گفتن این زندانیان را فعالیت تبلیغی به حساب می‌آورند و با آن‌ها برخورد می‌کنند. در یک دوره حتی تجمع بیش از سه نفر این زندانیان با یکدیگر را ممنوع کرده بودند و آن را مصداق فعالیت تبلیغی در نظر می‌گرفتند و با آن برخورد می‌کردند.»

این زندانی سابق در مورد دیگر فشارهای اعمال شده بر این زندانیان گفت: «در زندان شیبان همواره تعدادی آخوند برای برگزاری نماز جماعت و مراسم مذهبی حضور دارند. یکی از این آخوندها جلساتی برای بحث و گفتگوی مذهبی برگزار کرد. او از طریق این کلاسها زندانیانی که سواد بیشتری داشتند و بر عقاید خود راسخ‌تر بودند را شناسایی کرده و به اداره اطلاعات معرفی کرد. اداره اطلاعات برای آنها پرونده‌های جدیدی ساختند.»

حیاط این بند کمی بزرگتر از حیاط بند پنج است اما فضای کافی برای ورزش و پیاده‌روی زندانیان ندارد.

بند نه و بند ده

این دو بند با یکدیگر ادغام شده‌اند و از آن‌ها برای نگهداری زندانیان با اتهام‌های سبک استفاده می‌شود. این دو بند ساختاری شبیه بند دو و بند سه دارند و مانند آنها حیاط بزرگی دارند. اندازه این حیاط حدود سه برابر دیگر بندها است و فضای مناسبی برای پیاده‌روی و ورزش دارد. این دو بند همانند دیگر بندها هرکدام یک آرایشگاه و یک فروشگاه، چهار حمام و شش توالت دارند

قرنطینه

زندان شیبان مثل تمام زندان‌های دیگر بخشی به نام قرنطینه دارد. زندانیان پس از ورود به زندان برای مدتی در قرنطینه می‌مانند و سپس به بند فرستاده می‌شوند.

درمانگاه زندان

یکی از ساختمان‌های قدیمی این زندان به درمانگاه اختصاص یافته است. فضای داخلی این ساختمان را قدری تغییر داده اند تا مناسب این کار شود. در این درمانگاه یک اتاق برای آزمایش‌های ساده‌ای مانند قند و چربی اختصاص یافته و یک قسمت برای بستری بیماران در نظر گرفته شده است. در اتاق بستری دو یا سه تخت قرار دارد. یک اتاق هم تبدیل به داروخانه شده است. اتاق دیگری هم مخصوص مقابله با بیماری‌های واگیرداری مانند سل، ایدز و هیپاتیت است. مسئول بخش کنترل بیماری‌های واگیردار آقای فاریاب است. در این درمانگاه یک پزشک عمومی، دو یا سه پرستار، یک روان‌درمانگر و یک تکنسین آزمایشگاه کار می‌کنند.

کار در زندان

برخی از زندانیان اجازه کار دارند و به زندانیان رای باز مشهورند. این زندانیان معمولاً در آشپزخانه زندان یا کارگاه‌ها به کار گرفته می‌شوند. برخی از زندانیان نیز برای کار به زندان الحدید فرستاده می‌شوند. این زندانیان به عنوان کارگر و یا افراد دارای تخصص‌های مختلف در ساخت و ساز این زندان مشارکت می‌کنند. زندان الحدید هنوز در دست ساخت است و به بهره‌برداری نرسیده است. گفته می‌شود که این زندان در یک فضای بسیار بزرگ و شامل چندین هکتار زمین احداث می‌شود و قرار است کارگاه کشاورزی و دیگر حرفه‌ها در آنجا تاسیس شود. زندانیانی که شرایط لازم را دارند به جای زندان در این کارگاه‌ها مشغول به کار خواهند شد.

مدیریت ناکارآمد

زندان شیبان مانند بسیاری دیگر از زندان‌های کشور با مشکلات بزرگی روبرو است. مشکلاتی که بخشی ریشه در کمبود امکانات دارد، برخی ناشی از سوءمدیریت و استفاده نادرست از منابع است و برخی نیز محصول سیاست‌های سرکوب‌گرانه است.

نامناسب بودن فضای زندان، محرومیت زندانیان از امکانات درمانی کافی، غذای کم و بدون کیفیت، رفتار نامناسب کارکنان زندان با زندانیان، مشکلات مهم این زندان هستند. اما در همه این مشکلات نقش مدیریت می‌تواند شرایط را به نحو چشم‌گیری تغییر دهد. تجربه زندان کارون و سپس زندان شیبان در این زمینه قابل مطالعه است. زندان کارون در سال‌های آخر دهه هشتاد در وضعیت بسیار نامناسبی قرار داشت. یک زندانی که تجربه حبس در هر دو زندان کارون و شیبان را دارد در این زمینه به پژوهشگر اطلس گفت: «زندان کارون وضعیت فاجعه‌آمیزی داشت. کیفیت بهداشت و درمان و غذای زندان فاجعه‌آمیز بود. باندهای مواد مخدر زندان را در کنترل خود داشتند. زندانیان زورمند در زندان برای خود حرمسرا دایر کرده بودند و علناً به زندانیان کم سن و سال تجاوز می‌کردند. مأموران زندان در این فساد نقش داشتند و از آن منفعت می‌بردند. حقوق زندانی هیچ اهمیتی نداشت.»

عبدالامیر منشداوی مدیری متفاوت

در چنین شرایطی عبدالامیر منشداوی، مدیر وقت زندان کلینیک (شیبان فعلی) به زندان کارون منتقل شد. به گفته این زندانی سابق «آقای منشداوی قانون را به زندان بازگرداند. مجرمین، شامل کارکنان زندان و زندانیان را مطابق قانون به دادگاه فرستاد. باندهای مواد مخدر و تجاوز را متلاشی کرد. با نظارت بر آشپزخانه وضعیت غذای زندان را بهبود بخشید.» این زندانی در ادامه افزود: «آقای منشداوی که اکنون بازنشسته شده است هر روز به همه اتاق‌های زندان سرکشی می‌کرد و به مشکلات زندانیان گوش می‌داد و سعی در بهبود شرایط داشت. او همچنین با برگزاری کلاس‌های آموزشی برای کارکنان زندان سعی کرد آن‌ها را با حقوق زندانیان آشنا کند و آن‌ها را برای اداره بهتر زندان آموزش دهد.»

این زندانی سابق معتقد است: «تجربه آقای منشداوی نشان داد که با امکانات موجود هم می‌توان زندان را به مراتب بهتر و انسانی‌تر اداره کرد. تغییراتی که این مدیر در زمان خود ایجاد کرد سبب بهبود وضعیت زندان شد و برخی از آثار آن هنوز هم دیده می‌شود.»



عبدالامیر منشاوی

محیط نامناسب و فشرده

یکی از مشکلات عمده زندان شیبان کمبود فضای لازم برای زندگی است. بندهای قرار گرفته در قسمت قدیمی زندان به جز بند چهار شرایط به مراتب بدتری دارند. تعداد زیاد تخت‌های درون اتاق، فضای کمی برای نشستن و انجام فعالیت‌های گروهی باقی می‌گذارد. حیاط زندان هم بسیار کوچک است و اگر تعداد کمی از زندانیان بخواهند یک ورزش گروهی مانند فوتبال انجام دهند؛ جایی برای پیاده روی دیگر زندانیان باقی نمی‌ماند.

استفاده از حیاط در شب ممنوع است

استفاده از حیاط بند شب‌ها ممنوع است و بندهای قدیمی سالن هم ندارند و این موضوع سبب شده است که زندانیان بیش از ۱۲ ساعت ناچار به نشستن و یا خوابیدن روی تخت‌های خود در یک فضای بسیار بهم فشرده باشند که سبب افسردگی و بیماری‌های روحی و روانی زندانیان می‌شود. از آن‌جا که اجاق‌های گاز در حیاط زندان قرار گرفته‌اند، بسته بودن درب حیاط همچنین سبب شده است که زندانیان حدود ۱۲ ساعت امکان استفاده از آن‌ها و تهیه چای یا غذا را نداشته باشند. این موضوع گاه سبب ایجاد خطراتی برای زندانیان نیز می‌شود. هنگامی که وضعیت خطرناکی در ساختمان بند ایجاد شود زندانیان امکان فرار از خطر را ندارند. یکی از زندانیان پیشین این زندان به پژوهشگر اطلس در این زمینه گفت: «مدیران زندان شیبان ارزشی برای جان زندانیان قائل نیستند. هنگام زلزله سر پل ذهاب، زندان شیبان هم به شدت لرزید. ما از ترس پس‌لرزه‌ها و خراب شدن سقف بر سرمان، به سرعت خود را به در خروج رساندیم که بتوانیم وارد حیاط بند شویم. همه ما از

ترس جان می خواستیم وارد حیاط شویم اما افسر نگهبان حاضر به باز کردن درب حیاط نشد. او حتی بعد از تماس با مقامات مافوق نیز دستوری در مورد باز کردن درب بند دریافت نکرد.»

کمبود وسایل سرمایشی در گرمای ۵۰ درجه

از دیگر مشکلات زندانیان بخش قدیمی زندان، کمبود امکانات سرمایشی در گرمای سوزان تابستان جنوب است. ساختمان سوله که نوساز است و بندهای شش و هفت را در خود جای داده از این نظر مشکلی ندارد. اما در بخش قدیمی زندان کولرهای قدیمی و فرسوده از پس گرمای داغ تابستان بر نمی آیند و گرمای تابستان بسیار آزاردهنده می شود. زندانیان بند پنج با هزینه شخصی چند کولر خریده و در این بند نصب کرده اند. اما دیگر بندها از این نظر در وضعیت بدی هستند.

کمبود امکانات ورزشی و فرهنگی

زندان کارون فاقد امکانات مناسب ورزشی و فرهنگی است. تنها دو فضا برای مسابقات فوتبال اختصاص یافته است. زندانیانی که تمایل به مسابقه فوتبال دارند با کسب مجوز از مدیریت زندان امکان استفاده از آن را دارند. حیاط زندان تنها امکانی است که زندانیان از آن برای ورزش استفاده می کنند. در برخی از بندها زندانیان تعدادی وزنه خریداری کرده و در گوشه حیاط از آن استفاده می کنند. کوچک بودن حیاط اجازه استفاده آزادانه از آن برای ورزش را نمی دهد.

ساس و شپش

ساس و شپش در این زندان بسیار زیاد است. مدیریت زندان هیچ اقدامی برای کنترل آن ها از طریق سم پاشی منظم زندان انجام نمی دهد. از سوی دیگر به دلیل نگرانی از خودکشی زندانیان، سم مناسب و مؤثر در اختیار زندانیان قرار نمی گیرد. یکی از زندانیان سابق این زندان در مورد این سم ها گفت: «من خودم آزمایش کردم و سم را به طور مستقیم روی ساس ریختم اما هیچ اثری بر آن نداشت. به این دلیل ما هر ماه، یا دوماه یکبار با استفاده از شعله آتش ساس ها را در تخت ها و کف اتاق و بقیه جاها می سوزانیم و همه وسایل دیگر مانند تشک و پتوها را هم می شستیم. با این

روش برای مدت یک یا دو ماه ساس تا حدی کنترل می‌شد اما دوباره ناچار به تکرار همین کار بودیم.»

ملاقات

ملاقات حضوری در زندان شیبان تنها مختص خانم‌ها است. آقایان اجازه ملاقات حضوری ندارند. ملاقات کابینی نیز از پشت شیشه و با استفاده از گوشی تلفن، انجام می‌گیرد، معمولاً بسیاری از اوقات این گوشی‌ها خراب هستند و زندانیان در برقراری ارتباط واضح با خانواده‌های خود دچار مشکل می‌شوند. یک زندانی سابق زندان شیبان در این مورد به پژوهشگر اطلس زندانهای ایران گفت: «ملاقات زندانیان با خانواده‌هایشان در بسیاری از مواقع با مشکل انجام می‌شود. خراب بودن گوشی‌های تلفن سبب می‌شود که خانواده‌ها برای استفاده از آنها صف بکشند و زندانی زمان کمی برای گفتگو با خانواده‌اش در اختیار داشته باشد. خانواده‌ها گاه از راه‌های دور با صرف هزینه و وقت فراوان خود را به زندان می‌رسانند و با این وضعیت بسیار آزاردهنده روبرو می‌شوند.» به گفته این زندانی پیشین «ملاقات‌های حضوری هم مشکلات خاص خود را دارد. این ملاقات‌ها برای ملاقات‌کنندگان مرد ممنوع است. زنان هم برای ملاقات باید با تلاش زیاد از دادگاه وقت بگیرند و گاه حتی پس از موافقت دادگاه به دلیل ناهماهنگی دادگاه و زندان این ملاقات‌ها انجام نمی‌شود.»

آب زندان

آب زندان شیبان از آب لوله‌کشی شهر اهواز تأمین می‌شود. آب شهر اهواز کاملاً آغشته به گل و لای و شکلاتی رنگ است. این آب مناسب آشامیدن و حتی پخت و پز نیست. زندانیان بعضی از بندها با هزینه شخصی خود دستگاه تصفیه آب خریده‌اند. اما اغلب زندانیان ناچار به نوشیدن این آب هستند و به همین دلیل بیماری کلیوی در بین زندانیان شیبان بسیار زیاد است.

غذای زندان

یکی دیگر از مشکلات این زندان وضعیت غذای آن است. تأمین غذای زندان شیبان به یک پیمانکار واگذار شده است. اگرچه در آیین نامه سازمان زندان‌ها تأمین غذای باکیفیت و کافی از حقوق

زندانیان است، اما جیره غذایی بسیار بی کیفیت و کم حجم است. وضعیت نابسامان غذای زندان، محصول کمبود منابع اختصاص داده شده از یک سو و مدیریت نابسامان آشپزخانه زندان از سوی دیگر است.

یک زندانی سابق زندان شیبان در مورد کیفیت و کمیت غذای زندان به پژوهشگر اطلس زندان‌های ایران گفت: «جیره غذایی اختصاص یافته به زندانیان بسیار کم است و آنها را سیر نمی‌کند. در این زندان غذاهای مختلفی مانند سیب زمینی آب پز، ماکارونی، عدس و پوره سیب زمینی، عدس پلو یا استانبولی، گوشت و مرغ به زندانیان داده می‌شود. اما حجم آن بسیار بسیار کم است و قابلیت سیر کردن آنها را ندارد.» این زندانی سابق افزود: «مشکل دیگر این غذاها کیفیت پخت آنها است. به دلیل حجم زیاد غذا و بی توجهی آشپزها، غذا به درستی پخته نمی‌شود و گاه زندانیان ناچار می‌شوند غذا را دوباره در اتاق‌های خود بپزند. این امر همیشه امکان‌پذیر نیست زیرا خیلی وقتها غذا به قدری دیر توزیع می‌شود که زمان کافی برای پخت دوباره آن وجود ندارد.»

به گفته این زندانی: «بی‌دقتی در تمیز کردن مواد غذایی سبب می‌شود که در غذا اغلب سنگ ریزه پیدا شود. حتی گاه قطعات بدن موش نیز در آن پیدا می‌شود.»

یکی دیگر از زندانی سابق در مورد وضعیت غذای زندان به پژوهشگر اطلس گفت: «ترکیب در دسترس نبودن مواد اولیه کافی به دلیل محدودیتهای مالی سازمان زندان‌ها و احتمالاً فساد از یک سو و کیفیت و مدیریت نابسامان آشپزخانه زندان از سوی دیگر سبب شده است که بسیاری از زندانیان دچار سوء تغذیه و بیماری‌های گوارشی باشند. با مدیریت مناسب و نظارت بیشتر بر آشپزخانه زندان امکان پخت غذای با کیفیت تر وجود دارد. اما متأسفانه آشپزخانه زندان غذا را نیز بسیار بد پخته و آن را تلف می‌کند.» به گفته این فرد آگاه، زندانیانی که توانایی مالی دارند، برای وعده شام به ناچار خود غذا را از فروشگاه زندان تهیه می‌کنند. پرداخت هزینه غذای زندانیان، فشاری مضاعف به خانواده‌هایی وارد می‌کند که یکی از اعضاء نان آور آنها زندانی است.

محرومیت از درمان

زندان شیبان حدود چهار هزار زندانی را در خود جای داده است. آنها نیاز به یک مرکز درمانی مجهز دارند. درمانگاه زندان بسیار کوچک و بدون امکانات کافی و پزشک متخصص است و متناسب با

نیازهای آنان نیست. این چهار هزار زندانی، سال‌ها در شرایط نامناسب، بدون بهره‌مندی از غذای خوب و امکانات ورزش مناسب، در محیطی ناسالم زندگی می‌کنند. این افراد به طور طبیعی بیش از انسان‌های آزاد در معرض خطر هستند و نیاز به رسیدگی پزشکی دارند. بعضی از آن‌ها به بیماری قند مبتلا هستند و انسولین مصرف می‌کنند. برخی بیماری‌های دیگری دارند. بیماری‌هایی که نیاز به رژیم غذایی مخصوص دارند. اما چنین امکانی در زندان مهیا نیست.

مهمترین مشکل بهداری زندان، عدم دسترسی کافی به پزشک است. بسیاری از پزشکان، حاضر به خدمت در زندان نیستند. احتمالاً سازمان زندان‌ها نیز به دلیل مشکلات مالی تلاشی برای افزایش تعداد پزشکان نمی‌کند. تعداد زیاد زندانی و کمبود پزشک سبب می‌شود که فرصت کافی برای معاینه بیماران وجود نداشته باشد. به گفته یک زندانی سابق این زندان: «پزشک زندان در بیشتر موارد وقتی برای معاینه بیمار صرف نمی‌کند و تنها به تجویز داروهای درخواستی زندانی اکتفا می‌کند.» در ساعات غیر اداری پزشک عمومی هم در زندان حضور ندارد. در این مواقع یک پرستار بهداری را اداره می‌کند. طبیعی است که او کار زیادی برای درمان بیمار نمی‌تواند انجام دهد. اعزام بیمار به بیرون زندان بسیار به ندرت انجام می‌گیرد. معمولاً بیمار تنها در صورتی اعزام می‌شود که بیهوش و در آستانه مرگ باشد. حتی در این صورت هم اعزام با تاخیر بسیار زیاد انجام می‌شود. فاصله سی کیلومتری زندان تا مرکز شهر نیز عامل دیگری در طولانی‌تر شدن انتقال بیمار به بیمارستان است. با توجه به این عوامل، اگر زندانی سکنه کند، یا به دلیل دیگری نیاز به درمان فوری داشته باشد. امکان مرگ و یا نقص عضو او زیاد است.

دلیل همیشگی مرگ، «سوء مصرف مواد مخدر»

اگر زندانی به هر دلیلی از جمله کندی روند درمان بمیرد، نظریه پزشکی ثابتی برای مرگ او وجود دارد. «مرگ به دلیل سوء مصرف مواد مخدر». یکی از زندانیانی که سال‌های متمادی در این زندان محبوس بوده است با تایید این موضوع به پژوهشگر اطلس گفت: «مرگ به دلیل سوء مصرف مواد مخدر نظریه همیشگی پزشک زندان در مورد دلیل مرگ زندانیانی است که به دلیل ناکارآمدی سیستم درمان زندان و کندی روند انتقال بیماران به بیمارستان جان خود را از دست می‌دهند.»

بی توجهی به درمان قربانیان شکنجه

بسیاری از زندانیان در دوران بازجویی شکنجه می‌شوند. به گفته یکی از زندانیان پیشین زندان شیبان: «وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه و اداره آگاهی از شکنجه برای بدست آوردن اطلاعات یا اجبار زندانیان به پذیرش منویات خود استفاده می‌کنند. این شکنجه‌ها باعث آسیب به بدن زندانیان می‌شود.» قربانیان شکنجه پس از پایان دوران بازجویی به زندان منتقل می‌شوند. این زندانیان به دلیل آسیب‌های دوران بازجویی، نیاز به درمان دارند. اما این امکان برای آنها فراهم نیست. محرومیت از درمان اثرات جبران ناپذیری بر این زندانیان باقی می‌گذارد.

یکی از این افراد **باسم بترانی** است. آقای بترانی ۲۱ مرداد ۹۹ پس از دو سال بازداشت از زندان شیبان آزاد شد. این زندانی به دلیل شکنجه در دوران بازجویی و محرومیت از درمان در طول مدت بازداشت توانایی راه رفتن را از دست داده است.

زندانی دیگر قربانی شکنجه، **اسماعیل وفایی** است. آقای وفایی در سال ۱۳۸۴ به اتهام همکاری با برادرش، احمد وفایی که در ارتباط با جنرال کشته شده بود، بازداشت شد. او سپس در دادگاهی چند دقیقه‌ای، بدون داشتن وکیل، به ۲۰ سال حبس و تبعید به زندان اهواز محکوم شد. یکی از همبندهای سابق آقای وفایی به پژوهشگر اطلس زندان‌های ایران گفت: «فرق سر آقای وفایی به دلیل شکنجه کاملاً شکافته شده و پس از التیام در آن قسمت مو نروبیده است. چیزی شبیه یک نهر در فرق سرش دیده می‌شود. او به دلیل ضرباتی که به سرش خورده، اغلب دارای سردرد و حالت تهوع است و اقدامی هم برای درمان او صورت نمی‌گیرد. او بارها درخواست اعزام به بیمارستان را داده است؛ اما هیچ توجهی به او نمی‌شود.»

رفتار نامناسب کادر درمان

یکی از عوامل تعیین کننده در پروسه درمان، ارتباطی است که بین پزشک و بیمار برقرار می‌شود. محیط زندان و الزامات آن این ارتباط را خدشه دار می‌کند. به گفته زندانیان سابق این زندان، دید کادر پزشکی نسبت به زندانیان بیمار بسیار منفی است. این دیدگاه منفی بر کیفیت رسیدگی به بیماران تاثیر می‌گذارد. کادر درمان این افراد را به عنوان مجرم و معتاد می‌بینند؛ نه انسانی که به مداوایش سوگند خورده‌اند.

برخی از پرستاران در این میان رفتار خشونت‌آمیزی با بیماران دارند. یکی از زندانیان سابق این زندان به پژوهشگر اطلس زندان‌های ایران گفت: «یکی از پرستاران زندان فردی به نام پنجه است. همه زندانیان از پرستار پنجه می‌ترسند. رفتار او با زندانیان مانند زندانبانان وزارت اطلاعات یا بازجوها

است. این پرستار حتی آمپول را بسیار بد به زندانیان تزریق می‌کند.» رفتار نامناسب پرستاران و کادر درمان در این زندان سبب از بین رفتن حس اعتماد زندانیان شده است. یکی از زندانیان سابق این زندان در مورد بی اعتمادی زندانیان به کادر درمان زندان به پژوهشگر اطلس زندان‌های ایران گفت: «مدتی قبل، درمانگاه تصمیم داشت برای آزمایش هپاتیت و ایدز از زندانیان آزمایش خون بگیرد. بسیاری از ما جرات نکردیم آزمایش بدهیم. ترس ما از این بود که خود آنها به دلیل سهل انگاری، ویروس را به ما منتقل کنند»

اعزام به بیمارستان ماه‌ها و گاه سالها طول می‌کشد

امکانات درمانگاه زندان بسیار محدود است. مواردی که نیاز به پزشک متخصص وجود دارد یا زمانی که فرد به عمل جراحی، آزمایش یا عکس برداری نیاز دارد در این درمانگاه کاری برای او انجام نمی‌شود. زندانی باید به بیمارستان خارج از زندان اعزام شود. اما متأسفانه این اقدام ماه‌ها و گاه سالها طول می‌کشد و به ندرت کسی برای درمان اعزام می‌شود. یکی از دلایل این امر کمبود منابع مالی سازمان زندان‌ها است. این سازمان با مشکلات مالی روبرو است و به بیمارستانهای مختلف بدهکار است. به همین دلیل مدیران زندان تلاش می‌کنند حتی‌الامکان هزینه درمان زندانیان را بر عهده نگیرند.

از سوی دیگر روند اعزام بیمار به بیمارستان نیز بسیار پیچیده و طولانی است. برای اعزام زندانیان بیمار، ابتدا باید پزشک زندان درخواست کند. پس از درخواست پزشک، قاضی ناظر و مدیر زندان هم باید با این درخواست موافقت کنند. پس از این مرحله درخواست به دادگاه فرستاده می‌شود و دادگاه نیز باید موافقت کند. در مورد زندانیان سیاسی وضعیت بسیار پیچیده تر است. زیرا دادگاه درخواست آنها را به اداره اطلاعات یا اطلاعات سپاه می‌فرستد تا در مورد آن تصمیم بگیرند. بسیاری از اوقات نهادهای امنیتی با این درخواستها مخالفت می‌کنند و یا بسیار دیر با آن موافقت می‌کنند.

دلیل دیگر جلوگیری از اعزام برخی از زندانیان، تنبیه آنهاست. به گفته یکی از زندانیان سابق این زندان: «مسئولین زندان علناً به زندانی می‌گویند که چون به عملکرد ما اعتراض کرده‌ای یا اینکه هنگام بازدید ناظران سازمان زندان‌های حرفی برخلاف میل مدیریت زندان زده‌ای با اعزام شما به بیمارستان مخالفت می‌کنیم»

جابر سخراوی (سخراوی) یکی از زندانیان محروم از درمان زندان شیبان است. آقای سخراوی به بیماری ام‌اس مبتلا است. پای راست او به دلیل این بیماری فلج شده است. او همچنین به بیماری

ورم بیضه و بیماری معده نیز مبتلا است. آقای سخراوی بارها درخواست کرده است که برای درمان به بیمارستان اعزام شود اما مسئولان زندان با اعزام و معالجه او مخالفت می‌کنند. بهیاران درمانگاه زندان معمولاً به او قرص مسکن می‌دهند.

[رضا عچرش](#)، [غلام حسین کلبی](#)، [عبدالزهرا هلیچی](#)، [علیرضا نزاری](#)، [محمدعلی عموری](#) و [ایوب پرکار](#) از دیگر زندانیان بیمار این زندان هستند که از امکان درمان محروم مانده‌اند. به دلیل محرومیت از درمان، گاهی زندانیان به خود درمانی و یا استفاده از اطلاعات غلط و غیرعلمی روی می‌آورند. خوددرمانی ممکن است بیماری آنها را تشدید کند.

کمبود دارو

زندانیان معمولاً با کمبود دارو مواجه هستند. بسیاری از داروها در داروخانه زندان وجود ندارد و زندانیان مجبور به تهیه آن‌ها از بیرون زندان و به کمک خانواده هستند. پروسه طولانی تهیه و انتقال دارو به زندان، گاه منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیری به سلامت زندانیان می‌شود. در فصل پاییز و زمستان به دلیل فضای متراکم زندان و شیوع بیماری‌های واگیردار، همه زندانیان چند بار بیمار می‌شوند. به همین دلیل آنها قبل از شروع فصل سرما از طریق خانواده‌هایشان داروهای مختلف و آنتی‌بیوتیک تهیه می‌کنند که در این فصل پس از بیماری بتوانند آنها را مصرف کنند. طبیعی است که استفاده خودسرانه دارو ممکن است به این بیماران آسیب بزند. اما به دلیل در دسترس نبودن امکانات درمانی راهکار دیگری برای زندانیان وجود ندارد.

توزیع متادون در زندان

بسیاری از زندانیان شیبان متادون دریافت می‌کنند. متادون درمانی، بخشی از پروسه ترک اعتیاد است. اما در زندان به دلیل عدم استفاده درست، این دارو تبدیل به یک ماده مخدر جدید و اعتیاد آور برای زندانیان شده است. نزدیک به ۱۳۰۰ نفر از زندانیان این زندان از این داروی مخدر استفاده می‌کنند.

شکنجه زندانی

شکنجه زندانی به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود. وضعیت نامناسب زندگی، محرومیت از درمان و محرومیت از ملاقات و تلفن زندگی زندانیان را سخت و طاقت فرسا می‌کند. آشکارترین نوع شکنجه، شکنجه بدنی است در زندان به دلایل مختلف زندانیان را کتک می‌زنند. برای کتک زدن زندانی گاه از باطون و شوک الکتریکی هم استفاده می‌کنند. در زندان شیبان یک نیمکت فلزی برای شکنجه زندانیان وجود دارد. زندانی را در فضای باز و زیر آفتاب داغ تابستان و یا در سرمای زمستان برای چندین ساعت به نیمکت دستبند می‌زنند و گاه آنها را کتک نیز می‌زنند. پس از کنترل شورش فروردین ۱۳۹۹ در زندان شیبان، مأموران امنیتی [جابر آلبوشوکه](#) را به همین نیمکت بسته و شکنجه کرده‌اند.

به گفته یک فرد آگاه: « جابر آلبوشوکه را به نیمکت بسته و ساعتها شکنجه کردند. مأموران با لوله سبز و باطون او را ساعتها کتک زده‌اند. برادرش [مختار آلبوشوکه](#) هم همزمان شکنجه شده است اما شدت شکنجه جابر بسیار بیشتر بوده است.»

روش دیگر شکنجه، وادار کردن دیگر زندانیان به ضرب و شتم زندانی است. محرومیت از تلفن و ملاقات و فرستادن به سلول انفرادی از دیگر شیوه‌های شکنجه زندانیان در زندان شیبان است. تحقیر زندانیان و ناسزاگویی به آنها نیز در این زندان رواج دارد. همچنین محروم کردن از استفاده از امکانات زندان مانند ورزشگاه یا کار در کارگاه، پرونده سازی برای زندانیان، از دیگر روشهای مسئولین برای اعمال فشار بر این زندانیان است. در این روش مسئولین زندان از طریق دیگر زندانیان معمولاً مواد مخدر را در وسایل زندانی جاسازی کرده و سپس خود آن را پیدا می‌کنند و بر اساس آن برای زندانی پرونده سازی می‌کنند.

روش دیگر آزار زندانیان کارشکنی در روند مرخصی، درمان یا عفو آنهاست. یکی از مدارک مورد نیاز برای فرستادن زندانیان به مرخصی، اعزام به بیمارستان، بهره‌مندی از عفو یا تخفیف مجازات، تاییدیه مسئولان زندان است. آنها گاهی برای اعمال فشار به زندانی این مدارک را ارائه نمی‌دهد و به این دلیل روند مرخصی یا عفو و تخفیف مجازات زندانی مختل می‌شود. آنها حتی از اعزام به بیمارستان و درمان نیز باز می‌مانند.

قتل زندانی

شکنجه زندانیان گاه به قتل آنها منجر می‌شود. زندانیان از شدت ضربات وارده و یا عدم رسیدگی به وضعیت آنها می‌میرند. یک نمونه مشهور، قتل علی سواری در زندان شیبان است. بر پایه گزارشی که در همان زمان به اطلس رسید، علی سواری در زندان شیبان به شدت شکنجه شد و جان خود را از دست داد. اطلس ویدیویی را نیز از یک جسد شکنجه شده که به علی سواری منتسب است، دریافت کرد.

یکی از زندانیان پیشین زندان شیبان که در آخرین ساعات زندگی آقای سواری او ملاقات کرده است به پژوهشگر اطلس زندان‌های ایران گفت: «برای کاری اداری به ساختمان مدیریت رفته بودم. مرحوم سواری را به آنجا آوردند. رنگ و روی او کاملاً زرد بود. به نظر می‌رسید که به شدت ترسیده است. پس از مدت کوتاهی او را از آنجا بردند و بعد از چند ساعت خبر قتل او در زندان پیچید.»

ممنوعیت ورود کتاب

استفاده از کتاب و روزنامه در زندان به سختی امکان پذیر است. کتابخانه زندان کتاب‌های مناسب زیادی ندارد. بیشتر کتاب‌ها در مورد مذهب شیعه یا تاریخ انقلاب ایران است. برای ورود کتاب و روزنامه باید از حفاظت زندان مجوز گرفت. گرفتن این مجوز به سختی امکان‌پذیر است. کتاب مورد نظر ابتدا باید در اختیار مسئولین حفاظت زندان قرار بگیرد و بعد از مطالعه آنها که معمولاً چند هفته طول می‌کشد، گاه اجازه می‌دهند که کتاب وارد زندان شود و در بسیاری از موارد نیز کتاب را به خانواده پس می‌دهند. روزنامه در زندان از طریق فروشگاه مرکزی وارد می‌شود. زندانیان با پرداخت هزینه تنها می‌توانند سه روزنامه کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی را در اختیار داشته باشند.

محرومیت از تحصیل

اگرچه براساس آیین نامه سازمان زندان‌ها، زندانیان اجازه ادامه تحصیل دارند. اما در بسیاری از زندان‌ها به این حق زندانیان توجه نمی‌شود. دانشگاه پیام نور امکان ادامه تحصیل غیرحضوری افراد را فراهم می‌کند. این دانشگاه گزینه‌ای مناسب برای ادامه تحصیل زندانیان است. اما این امکان در زندان شیبان مهیا نیست. یکی از زندانیان پیشین این زندان به پژوهشگر اطلس در این مورد

گفت: «ما تلاش زیادی کردیم که بتوانیم از حق ادامه تحصیل خود استفاده کنیم. اما متأسفانه در این زمینه موفق نشدیم.»

تبعیض نسبت به زندانیان عرب

بیشتر زندانیان زندان شیبان را شهروندان عرب تشکیل می‌دهند. بخشی از پرسنل زندان هم عرب هستند. اما تبعیض نسبت به زندانیان عرب در این زندان رایج است. این تبعیض در دادن مرخصی، ورود کتاب به زندان، پوشیدن لباس عربی و نوع برخوردهای انتظامی و امنیتی با زندانیان به وضوح دیده می‌شود. یکی از زندانیان سابق این زندان به پژوهشگر اطلس در این مورد گفت: «تبعیض، در موارد مختلف کاملاً دیده می‌شود. مرخصی و عفو به زندانیان عرب کمتر از دیگر زندانیان داده می‌شود. ورود کتاب و روزنامه برای زندانیان قومیت‌های دیگر با حساسیت کمتری میسر است. به همین دلیل هنگامی که ما به کتابی نیاز داشتیم از دوستان فارس خود می‌خواستیم که تقاضا بدهند و آن را وارد زندان کنند.» این زندانی سابق در مورد تبعیض در برخوردهای امنیتی با زندانیان گفت: «یکی دیگر از جلوه‌های تبعیض، نوع برخورد امنیتی با زندانیان است. اگر خبری از داخل زندان توسط یک زندانی غیرعرب به بیرون فرستاده شود در بیشتر موارد مسئولین به یک تذکر بسنده می‌کنند؛ اما اگر زندانیان عرب خبری را به بیرون بفرستند، آنها را به بازداشتگاه اداره اطلاعات می‌برند، شکنجه و تهدید به مجازات‌های سنگین می‌کنند.»

یکی دیگر از موارد تبعیض در این زندان ممنوعیت پوشش لباس عربی برای زندانیان عرب است. به گفته این زندانی سابق: «پوشیدن لباس عربی برای زندانیان در زندان ممنوع است. این ممنوعیت بویژه برای زندانیان با سن بالاتر از پنجاه سال بسیار آزار دهنده است. پوشیدن چفیه عربی برای شهروندان عرب با سن بالاتر بسیار اهمیت دارد. آنها این چفیه را همراه با دشداشه می‌پوشند و بدون پوشیدن آن احساس شرم می‌کنند و نمی‌توانند در مقابل خانواده و دیگر افراد ظاهر شوند. به دلیل این ممنوعیت، برخی از زندانیان حاضر به رفتن به ملاقات نمی‌شوند؛ زیرا نمی‌خواهند بدون چفیه با خانواده خود روبرو شوند.»

آماده سازی زندان برای بازدیدها

نمایش بی عیب و نقص شرایط زندان یکی از اهداف مدیریت زندان است. به همین دلیل وقتی ناظران سازمان زندان‌ها برای بازدید بیاید، مسئولان از چند روز قبل همه جا را تر و تمیز می‌کنند که عیب و نقصی به نظر نرسد. آنها بعضی از زندانی‌ها که بسیار بیمار هستند؛ کسانی که فلج هستند یا دیوانه شده‌اند و شرایط نامناسبی دارند را جایی پنهان می‌کنند که مسئولان سازمان زندان‌ها آنها را نبینند. اگر زندانی به مسئولان سازمان زندان‌ها اعتراض بکند و در مورد پرونده‌اش یا شرایط زندان چیزی بگوید او را بعداً آزار و اذیت می‌کنند.